

# رویداد ۱۱ سپتامبر؛ آغاز اجرای برنامه "جغرافیای نفت"

دکتر هوشنگ طالع

اگر جنگ خلیج فارس بهانه حضور دائمی آمریکا در خلیج فارس را فراهم آورد، قرار است رویدادهای ۱۱ سپتامبر و ماجرای بن لادن زمینه ساز کنترل گرفتن مهم ترین ذخایر نفت و گاز جهان از سوی ایالات متحده و شریکش انگلیس شود.

روزی که مسیولیت نیروهای آمریکا در آسیای میانه از زیر فرماندهی در اقیانوس آرام بیرون آمد و تحت نظر فرماندهی مرکزی [آمریکا] قرار گرفت جهان باید متوجه می شد که کشتی بان، سیاستی دیگر پیشه کرده است.

اکنون جغرافیای نفت، جای جغرافیای نظامی و ایده نولوژیک را گرفته است، لذا تحولات جهان را باید از این منظر مورد ارزیابی قرار داد.

در مهرماه ۱۳۷۸ خورشیدی (اکتبر ۱۹۹۹ میلادی)، وزارت دفاع ایالات متحده در یک اقدام کم سابقه، مسیولیت نیروهای آمریکا در آسیای میانه از زیر فرماندهی اقیانوس آرام بیرون آورد و تحت نظر فرماندهی مرکزی قرار داد (۱). به ظاهر، مسأله در حد یک جابه جایی درون سازمانی بود، اما در حقیقت تصمیم گیری مزبور در راستای انطباق سازمان بندی نیروهای نظامی با جغرافیای نفت بود. پیش از این، آسیای میانه از نظر مسیولیت کلی فرماندهی اقیانوس آرام که سرزمین های چین، ژاپن و کره را در برمی گرفت، در حاشیه قرار داشت. اما امروز به دلیل منابع عظیم سوخت، برای آمریکا دارای اهمیت راهبردی است.

با توجه به این نکته که نیروهای آمریکا در خلیج فارس زیر فرماندهی مرکزی است، قرار دادن آسیای میانه تحت نظر فرماندهی مزبور به مفهوم انطباق سازمان بندی ارتش آمریکا با جغرافیای نفت است. جغرافیای نفت، در سده ای که پیش رو داریم به مفهوم جغرافیای نوین برخورد نظامی نیز هست.

در دوران جنگ سرد (۱۳۷۰-۱۳۲۴ خورشیدی ۱۹۹۱-۱۹۴۵ میلادی) توجه اصلی برنامه ریزان نظامی آمریکا معطوف به نقاطی بود که بیشترین

احتمال برخورد نظامی وجود داشت، یعنی اروپای مرکزی و خاور دور. با پایان گرفتن جنگ سرد، اهمیت راهبردی مناطق مزبور، از میان رفت و جغرافیای نفت جای آن را گرفت.

دوران جنگ سرد، دوران برخورد جهان بینی (ایدیولوژی) هابود و عصر حاضر، دوران برخورد بر سر دست یابی بر منابع سوخت است. بدین سان جغرافیای برخورد نوین هم خوانی کامل با جغرافیای نفت دارد.

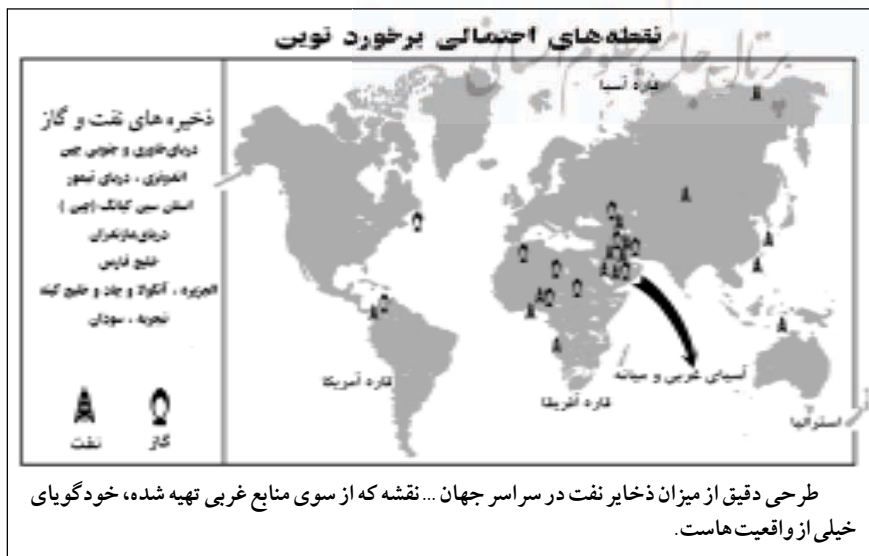
این امر، تنها مربوط به آمریکا نیست. وارد کنندگان بزرگ نفت، مانند ژاپن، کشورهای اروپایی، چین و... نیز اولویت اساسی برای تضمین دسترسی آزاد به جریان سوخت قایلند. دولت روسیه نیز در سیاست خارجی خود اهمیت بیشتری نسبت به گذشته برای کشورهای نفت خیز آسیای میانه و جمهوری آذربایجان (اران) قایل شده است. با توجه به این امر، چین از تجمع نیرو در مرز با روسیه کاسته و توجه خود را معطوف به منابع احتمالی باختر، فلات قاره خاور و جنوب دریای چین کرده است. ژاپن نیز به عنوان یکی از مهم ترین وارد کنندگان نفت، موضع نظامی خود را در دریای چین تقویت کرده است.

اما مسأله آمریکا به عنوان تنها بر قدرت جهان

دارای جنبه های دیگری است. شورای امنیت ملی آمریکا که خطوط اصلی سیاست های آمریکا را ترسیم می کند بر این عقیده است که: ... برای آمریکا [در سال های آینده]، اطمینان از دست یابی به نفت وارداتی، همچنان اهمیت حیاتی خواهد داشت. از این روی ماباید توجه خود را به ایجاد و استمرار ثبات در مناطق تولیدی کلیدی ادامه داده تا مطمئن گردیم که دسترسی و جریان آزاد این منابع، تضمین گردیده است (۲).

در این راستا در تابستان سال پیش، کلینتون رییس جمهوری آمریکا، از کشور آفریقای نیجریه بازدید به عمل آورد. قصد وی از این دیدار آن بود که کشور مزبور را تشویق به تولید بیشتر و صادرات افزون تر نفت به آمریکا کند. البته باید به یاد داشته باشیم که نیجریه یکی از بزرگترین صادرکنندگان نفت به آمریکا است.

هم چنین وی کشورهای کرانه ی دریای مازندران را زیر فشار قرارداد تا به ساخت لوله جدید نفت به اروپا سرعت بخشند. از سوی دیگر جورج بوش در مبارزات انتخاباتی اعلام کرد که در صورت پیروزی در انتخابات، اجازه کاوش و بهره برداری نفت و گاز در مناطق حفاظت شده طبیعی آمریکا را در راستای کاستن از نیاز آمریکا به



سوخت وارداتی صادر خواهد کرد.

دولت ایالات متحده آمریکا از حرکت نظامی عراق در اشغال کویت و تهدید عربستان سعودی بهره جست و با ایجاد یک ائتلاف نیرومند، به نیت اصلی خود که حضور مداوم در خلیج فارس یا قلب جغرافیای نفت بود نایل شد. البته از یاد نبریم که در جنگ علیه ایران، حکومت عراق زیر حمایت دولت آمریکا قرار داشت و بسیاری بر این باورند که حرکت صدام حسین در راستای اشغال کویت با نوعی موافقت ضمنی دولت ایالات متحده آمریکا بوده است. آیا کج فهمی صدام و حکومت وی در گفت و گو با سفیر آمریکا در بغداد، موجب برداشت نادرست از گفته های وی شد و یا این که برای گفتن منظور از واژگانی بهره گرفته شد که صدام به این باور رسید که مانند جنگ علیه ایران، آمریکا برابر لشکرکشی وی به کویت نیز نه تنها مخالفت نخواهد کرد بلکه شاید با سکوت و روی برگرداندن از واقعه، مورد نوعی تأیید نیز قرار دهد.

اما به محض اشغال کویت از سوی عراق، آمریکا دست اندرکار اجرای سیاست خود در راستای اشغال و حضور دایمی در خلیج فارس شد. این کار به برکت سیاست های نابخردانه صدام حسین به راحتی انجام گرفت. در این میان موضع انفعالی مقامات وقت دولت جمهوری اسلامی در جنگ خلیج فارس نه تنها حضور دایم آمریکا را در خلیج فارس آسان کرد، بلکه امکان سپردن جنایتکاران جنگ و ستاندن غرامت زیان های وارده بر سرزمین و مردم ایران را نیز منتفی ساخت. از سوی دیگر، همین سیاست باعث شد که بریتانیا نیز به راحتی دوباره در پناه آمریکا به خلیج فارس بازگردد.

البته سیاست انفعالی ایران اثر ژرفی بر این فرایند داشت. در حالی که نقش فعال جمهوری اسلامی در جنگ خلیج فارس می توانست سران کشوری و لشکری حکومت عراق را به دست عدالت بسپارد، زیان های وارده بر مردم و سرزمین ایران بازستاند و مهم تر این که نوع سهم شناخته شده در پاسداری از خلیج فارس را برای ملت ایران تضمین کند. در این حرارت، ایالات متحده نمی توانست مدعی سیادت بلامنزاع بر خلیج فارس شود.

آمریکا از ماجرابی که خود، به نوعی شکل گیری آن را ترتیب داده بود، استفاده کرد و با ایجاد ائتلاف از طیف گسترده ای از کشورهای جهان، رهبری عملیات نظامی علیه عراق را به دست گرفت. با بزرگ نمایی توان رزمی حکومت عراق و

ساختن کوهی از کاه (۳)، آمریکا پیشاپیش متحدان علیه عراق وارد جنگ شد. در نبرد کوتاه مدتی که تنها یکصد ساعت به درازا کشید، کمابیش ۲۵۰ هزار سرباز عراقی کشته و اسیر شدند. در صورتی که حتی یک سرباز آمریکایی با گلوله عراقی ها از پای درنیامد. تلفات انگشت شمار آمریکا در این نبرد در اثر آتش خودی و یا حوادث دیگر بود.

در حالی که نیروهای آمریکایی در فاصله کمی از کاخ صدام حسین قرار داشتند، ژنرال کولین پاول رییس ستاد مشترک ایالات متحده به ژنرال شوار تسکف (۴) فرمانده نیروهای متفقین در عملیات توفان صحرا دستور داد که سربازانش از پیش روی به سوی کاخ صدام حسین خودداری کنند! این فرمان، خشم ژنرال شوار تسکف را برانگیخت و در این فرایند پس از پایان عملیات مزبور از سوی وزارت دفاع آمریکا بازنشسته شد. کولین پاول در دولت جورج بوش (پسر) به وزارت خارجه منصوب شد. دولت بوش از آغاز کار با ملغی اعلام کردن قرارداد (سالت ۲) با اتحاد شوروی، تصمیم آمریکا را بر اجرای طرح سپر دفاعی (معروف به جنگ ستارگان) اعلام کرد. بهانه این طرح، تهدید آمریکا از سوی چند کشور و پیشاپیش همه، از سوی حکومت عراق بود!

هنوز جرج بوش (پسر) با تکیه بر آرای مشکوک بر صندلی قدرت استوار نشده بود که با بهره گیری از اشتباه محاسباتی دولت چین کمونیست، مرحله دوم از تأمین مناطق برخورد بر پایه جغرافیای نفت را به مورد اجرا گذارد.

دولت چین کمونیست که نیرومندترین مدعی سلطه بر منابع سوخت دریای خاوری و جنوب چین به شمار می رود برای تثبیت موقعیت خود، با زیر فشار قرار دادن دولت تایوان، خواستار آن است که دولت مزبور از ادعای استقلال دست شسته و خود را بخشی از چین اعلام کند. انتخابات اخیر در تایوان که به پیروزی قاطع استقلال خواهان انجامید و حضور نخست وزیر دولت مزبور در خاک ایالات متحده، خشم دولت چین کمونیست را برانگیخت. هنگامی که کار به تهدید نظامی کشید، رییس جمهوری آمریکا با دادن اجازه فروش جنگ افزارهای پیش رفته به تایوان و افزایش حضور نظامی ایالات متحده در دریای چین، به حضور آمریکا در این بخش مهم از جغرافیای نفت، تجسم نیرومندتر و قاطع تری بخشید. بدین سان، نه تنها آرزوی دولت چین کمونیست، مبنی بر پیروی تایوان از نظریه (یک ملت و دو دولت) برای آینده قابل دید

به بوته فراموشی سپرده شد بلکه حضور ایالات متحده آمریکا در دریای چین چشمگیر تر گردید.

حمله های تروریستی در بیستم شهریور ماه جاری (۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱) به ساختمان های دولتی مرکز بازرگانی جهانی و وزارت دفاع آمریکا بهانه کافی برای اجرای مرحله تکمیلی اشغال یا تأمین مناطق نفت خیز را در اختیار دولت ایالات متحده قرارداد.

در این مرحله می بایست دولت آمریکا با حضور نظامی در آسیای میانه، مناطق نفت خیز این منطقه را در اختیار گیرد. از این روی پای اسامه بن لادن به عنوان متهم ردیف اول به میان کشیده شد. ارتباط بن لادن با حکومت طالبان، برای اجرای عملیات تأمین مناطق نفت خیز آسیای میانه برنامه بسیار مناسبی است!

### اسامه بن لادن کیست؟

اسامه، در سال ۱۳۳۶ در شهر جدّه زاده شد. پدرش محمد بن لادن دارای تبار یمنی بود که به تابعیت دولت عربستان سعودی درآمد. وی رشته اقتصاد دانشگاه ملک عبدالعزیز در عربستان سعودی را به پایان برد و در دانشگاه آکسفورد (بریتانیا) در رشته راه و ساختمان تحصیل کرد. در سال ۱۳۵۹ پدرش در یک سانحه هوایی کشته شد و ثروت قابل توجهی را برای او به ارث گذارد. با یورش ارتش سرخ به افغانستان در بهار سال ۱۳۵۸ سازمان اطلاعاتی آمریکا (CIA) دست اندرکار تجهیز و کمک مالی به مجاهدان برآمد. در این میان اسامه بن لادن نیز با کمک های مالی سازمان سیا اقدام به تأسیس شرکت سرمایه گذاری (SICO) کرد.

با خروج نیروهای ارتش سرخ، اسامه نیز از افغانستان خارج شد، اما هنگامی که پاکستان با دستگیری عربستان و آگاهی آمریکا و بریتانیا، دست اندرکار ساختن و پرداختن گروه طالبان برآمد، (۵) بن لادن دوباره به افغانستان بازگشت، این بار با تجربه هایی که اندوخته بود و ثروت زیادی که در اختیار داشت، در شکل بخشی حکومت طالبان نقش مهمی را بازی کرد. (۶) سیاست انفعالی دولت جمهوری اسلامی، منجر به سقوط کابل، از دست رفتن ایالت هرات و در این فرایند استقرار طالبان در افغانستان شد.

در این مرحله، اسامه که جایگاه ویژه ای در میان گروه طالبان به دست آورده بود، برای تبدیل موقعیت خود به یک شخصیت جهانی، در اول شهریور ماه ۱۳۷۵ (۲۳ اوت ۱۹۹۶) علیه ایالات متحده



آمریکا اعلام جهاد کرد. به دنبال انفجار سفارت خانه های آمریکا در دو کشور آفریقایی، دیوان عالی ایالات متحده با ارایه نوار گفتگوهای تلفنی و گفته های شاهدان و... اسامه بن لادن و افرادش را به ۲۰۰ مورد اقدام های تروریستی متهم کرد (۷). به دنبال این اقدام، دولت آمریکا برای دستگیری وی مبلغ ۵ میلیون دلار پاداش تعیین کرد (۸). از سوی دیگر، بعد از حمله تروریستی اخیر به ساختمان های دولتی مرکز بازرگانی جهانی و وزارت دفاع آمریکا، رییس جمهوری پیشین آمریکا ابراز داشت که وی دستور قتل بن لادن را نیز صادر کرده بود. اما شگفت آور آن که با این وجود، سه حکومت دست نشانده آمریکا در منطقه، یعنی عربستان سعودی، پاکستان و امارات متحده عربی همچنان به حمایت مالی، نظامی، اطلاعاتی و... به طالبان ادامه می‌دادند! این دوگانگی را تنها در پناه این امر می‌توان توجیه کرد که هنوز تاریخ مصرف طالبان و بن لادن از نظر آمریکا به پایان نرسیده بود. (ماهنامه: در مورد بن لادن، تبار او و کارهایش گزارش جداگانه ای در همین شماره ارایه کرده ایم.)

در مهرماه ۱۳۷۸ (اکتبر ۱۹۹۹) شورای امنیت بر پایه قطعنامه ای از گروه طالبان خواست که بدون تعلل اسامه بن لادن را به مقام های دادگستری کشوری که در آن تحت پیگرد است تحویل دهند. در قطعنامه تصریح شده بود که در صورت سرپیچی از درخواست شورا، از تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۷۸ (۱۴ نوامبر ۱۹۹۹) تحریم های سازمان ملل درباره ممنوعیت پرواز (غیر پروازهای دربرگیرنده کمک های انسان دوستانه)، بستن حساب های بانکی و دیگر منابع مالی که به گونه مستقیم یا غیرمستقیم مورد بهره گیری طالبان است به اجرا گذاشته خواهد شد.

اما با این وجود سازمان های مالی بن لادن در آمریکا فعال بودند. در کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی فروشگاه های بن لادن و سازمان های مالی و اقتصادی وی در همه جای این کشور آزادانه به کار خود ادامه می‌دادند. سازمان "آلفاعده" که بازوی اجرایی بن لادن به حساب می‌آید در سراسر شرق و غرب دارای شاخه، دفتر، حساب بانکی و معامله های بازرگانی است.

اما لحظه ای که تاریخ مصرف بن لادن به پایان رسید، جرج بوش (پسر) رییس جمهور آمریکا دستور داد که حساب های اسامه بن لادن و سازمان القاعده و چند گروه و فرد دیگر که به اعمال تروریستی متهم هستند بسته شده و موجودی آنها

مصادره گردد. (۹)

پیش از اتفاق اخیر، ایالات متحده و در کنار آن دولت بریتانیا، مرحله سلطه بر منابع نفتی دریای مازندران و آسیای میانه را آغاز کرده بودند.

حکومت اران (جمهوری آذربایجان) به پشت گرمی ایالات متحده و تشویق حکومت ترکیه، با افزون خواهی در بهره برداری از نفت دریای مازندران، تأکید بیشتری کرد. جمهوری اران به مانند دیگر جمهوری های نوحاسته بر کرانه دریای مازندران نیک می‌داند که رژیم حقوقی این دریا بر

پایه قراردادهای مودت (۱۹۲۱) و بحر پیمایی (۱۹۴۰) میان دولت ایران و اتحاد جماهیر شوروی استوار است. بر پایه قرارداد مزبور دو دولت ایران و اتحاد شوروی در بهره برداری از منابع دریا و نیز کشتی رانی حقوقی مساوی دارند. این بدان معناست که نیمی از دریای مازندران، از نظر مالکیت و حاکمیت در ید ایران قرار دارد. با فروپاشی اتحاد شوروی و ایجاد چهار جمهوری برپهنه اتحاد مزبور در کرانه دریای مازندران تغییری در موقعیت ایران ایجاد نشده است و چهار جمهوری نوحاسته باید بر



سر میراث اتحاد شوروی در دریای مازندران با یکدیگر کنار آیند. شرکت نفت بی پی (BP) که از آن در جهان نفت به عنوان "فرا تر از نفت (Petroleum Beyond)" نام می برند، به استناد قراردادهای منعقد شده با حکومت باکو، دامنه فعالیت خود را به آب های ایران تسری داد. این عمل واکنش ایران را برانگیخت. جمهوری آذربایجان مدعی شد که هواپیماهای جنگی ایران بر فراز آب های مورد ادعای این جمهوری به پرواز درآمده اند. در این راستا، بر پایه یک نمایشنامه از پیش طرح شده حکومت آنکارا چندین فروند جنگنده در قلمرو حکومت باکو مستقر کرد. بدین سان، آمریکا نخستین گام عملی را به وسیله حکومت آنکارا برای تأمین منابع نفتی دریای مازندران و آسیای میانه برداشت. البته باید اقدام هایی مانند ایجاد اتحادیه کشورهای ترک زبان (۱۰) و اجرای رزمایش های مشترک با حکومت ازبکستان را در راستای تحقق این هدف مورد توجه قرار داد.

### سکوت برابر جنایت

بزرگترین جنایت علیه بشریت در پایان سده بیستم و آغاز سده بیست و یکم در افغانستان و از سوی طلبه های انسان نما بر مردم این کشور روا شد. این جنایت های با سکوت آمریکا و غرب و با حمایت مالی، اطلاعاتی و نظامی دست نشانندگان آمریکا در منطقه، یعنی حکومت های عربستان سعودی و پاکستان به اجرا درآمد. حتی آمریکا در چندین نوبت (انسان نمایان) مزبور را در خاک خود به بهانه گفت و گو پذیرفت و به آنان اجازه داده بودند که پرچم خود را بر بالای ساختمان محل نمایندگی طالبان به اهتزاز در آورند.

طلبه ها، آثار تاریخی و باستانی مردم افغانستان را سوزاندند، شکستند و خراب کردند کتاب ها و آثار نوشتاری را با آب جهل و تخریب شستند. بدین سان آنان میراث فرهنگی، تاریخی و باستانی مردم افغانستان را که بخشی از میراث ارزشمند همه مردم فلات ایران و بل بشریت بود، نابود کردند. اما صدایی برنخاست. آنان زبان فارسی را مورد بورش قرار دادند. اما از کسانی که در و دیوار شهر تهران را با شعار فارسی را پاس بداریم آندود کرده اند صدایی برنخاست و حتی سازمان علمی فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) نیز که درباره هر مسأله کوچک جنجال به راه می اندازد و قطعنامه ای صادر می کند، سکوت پیشه کرد.

آنان دگر مذهبیان را کشتند، مقطوع النسل

ساختند و زنانشان را مصادره کردند. این گروه شیعیان افغانستان بودند. اما از مراجع نجف و قم، شیعیان لبنان و جای جای جهان صدایی بلند نشد. طلبه های انسان نما، همه نهادهای آموزشی دختران را بستند. بخش های زنان را در بیمارستان ها منحل کردند. خروج زنان تنها را از خانه ها ممنوع کردند... اما دست نشانندگان غرب یعنی پاکستان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی همچنان به حمایت مالی، نظامی، اطلاعاتی، لجستیکی از طالبان ادامه دادند.

در این میان، سیاست انفعالی ایران، باعث شد که گروه مزبور به سادگی بر افغانستان چیره شوند و این همه جنایت را بر مردم افغانستان که با مدارای ریشه مشترک تباری و اشتراکات فرهنگی، تاریخی، دینی و هم خانمانی هستند، روا دارند. روز بیستم شهریور ماه ۱۳۸۰ با حمله های تروریستی به نیویورک و واشنگتن گرچه ضربه اساسی بر حیثیت امنیتی ایالات متحده آمریکا وارد شد، اما راه برای اجرای مرحله سوم در راستای "تأمین منابع نفتی آسیای میانه بر روی کشور مزبور گشوده شد. در این مرحله نیز با پیش گرفتن سیاست انفعالی نه تنها نمی توانیم مانع رویدادهای آینده شویم بلکه با کنار کشیدن خود از ماجرا، در تحولات آینده منطقه نمی توانیم دارای نقش باشیم. از سوی دیگر، با عدم درک رویدادها، عدم ارزیابی درست از آینده، حتی تمامیت سرزمینی مان نیز می تواند مورد مخاطره قرار گیرد. رویدادها را نباید به دلخواه خود مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. باید آن ها را آن طور که هستند در نظر گرفت و در این میان، کوشید تا حداکثر منافع ملی را تأمین نمود.

هم چنان که در ماجرای جنگ خلیج فارس، سیاست نادرست دولت و تصمیم گیرندگان کشور در آن زمان نتوانست مانع رخدادها گردد، در این مورد نیز تأثیری در روند رویدادهای آینده نخواهد داشت. این امر باعث خواهد شد که "صحنه و بازی" در اختیار رقبای منطقه ای ماقرار گیرد.

سلیقه های شخصی، قرار دادن دلخواه خود در کانون رویدادها، نمی تواند مانع از وقایع آینده گردد بلکه ابتکار عمل را از دست داده و بیش از پیش کشور ما را به انفعال و انزوا و خدای ناکرده به تجزیه می کشاند.

\*\*\*

پی نوشت:

۱- گزارش - شماره ۲۳ - صفحات ۶۴-۶۰.

۲- Michel T. Klare مجله امور خارجه Foreign Affairs

مه- ژوئن ۲۰۰۱ زیر عنوان جغرافیای جدید برخورد. ۳- در این مرحله برای اولین بار دولت ایالات متحده احساس کرد که بدون یک شبکه تلویزیونی جهانی نمی تواند به مقاصد خود در راستای رهبری افکار عمومی در درون و برون از آمریکا عمل کند. از این روی شبکه تلویزیونی سی ان ان (CNN) به سرعت ساماندهی شد و در جنگ خلیج فارس وظیفه خود را به خوبی انجام داد. به طوری که برای نخستین بار در جهان مردم می توانستند صحنه های جنگ را به گونه زنده ببینند.

۴- وی فرزند ژنرال شوارتسکف، مستشار ژاندارمری ایران پس از سالهای ۱۳۲۰ خورشیدی و اشغال ایران به وسیله نیروهای شوروی و بریتانیا بود. خود وی نیز در نوجوانی همراه پدرش در ایران بود.

۵- بانو بی نظیر بوتو در زمان نخست وزیری خود بر پاکستان گفت: در ایجاد گروه طالبان، حکومت پاکستان و عربستان با یکدیگر همکاری و نظر موافق حکومت های آمریکا و انگلستان را نیز جلب کرده بودند. (گزارش - شماره ۱۰۷- دی ماه ۱۳۷۸ - طالبان: زاده شیطان قدرت ها- دکتر هوشنگ طالع - ص ۴۳). البته منابع مالی امارات متحده عربی نیز در استقرار حکومت طالبان دارای نقش مؤثر بود.

۶- شرکت نفتی یونی کال (Unical)، سرمایه گذاری زیادی روی طالبان به عمل آورد (تلویزیون دوچه و له ۴۲-۵۲ - Welle Deutoche - سپتامبر ۲۰۰۱-۲-۲۰۰۱- مهرماه ۱۳۸۰).

۷- فهرست مهم ترین اتهام های وارده بر اسامه بن لادن و سازمان تحت فرماندهی وی (القاعده) افزون بر کمک های مالی به سازمان های افراطی و تندروی عرب مانند جهاد اسلامی در مصر و یمن، عبارتند از طرح ریزی توطئه نافرجام ترور پاپ ژان پل دوم (۱۹۸۱ میلادی) بمب گذاری در مرکز بازرگانی جهانی نیویورک (۱۹۹۳) تأمین منابع مالی طرح ترور رییس جمهور آمریکا در پایتخت فیلیپین (۱۹۹۴)، طرح ترور حسنی مبارک رییس جمهوری مصر (۱۹۹۵)، انفجار سفارت مصر در پاکستان، کشتار گردشگران آلمانی در شهر لوسور مصر (۱۹۹۷)، بمب گذاری در پایگاه آمریکا در ظهران عربستان سعودی، انفجار در هواپیماهای مسافری آمریکا، بمب گذاری در سفارت خانه های آمریکا در نایروبی و دارالسلام در آفریقا، سازمان دهی عملیات چریکی و تروریستی در چین، تاجیکستان، بوسنی، قزاقستان، قرقیزستان، سومالی، لبنان، الجزایر، فیلیپین و...

۸- این جایزه پس از رویداد ۱۱ سپتامبر به ۵۰ میلیون دلار افزایش داده شد.

۹- وزارت امور خارجه آمریکا روز ۵ اکتبر ۲۰۰۱ (۱۳ مهر ۱۳۸۰)، فهرست سازمان های تروریستی که در برگیرنده ی ۲۲ سازمان می باشد، منتشر کرد.

۱۰- در نشست های این اتحادیه، سران کشورهای به اصطلاح ترک زبان قفقاز و آسیای میانه با یکدیگر به روسی سخن می گویند و با نخست وزیر ترکیه به زبان انگلیسی!!